

نقش و جایگاه هنر تذهیب قرآنی در تربیت دینی کودکان و نوجوانان^۱

آرزو پایدارفرد*

فاطمه شفیعی**

چکیده

مسئله مهم برای نگارندگان این مقاله آن است که روزبه‌روز تصویرسازی‌های کتاب‌های کودک از جهت فرم‌ها، رنگ‌ها و پردازش‌های شخصیت‌های داستانی گیراتر می‌شود؛ ولی به ندرت از قابلیت منحصر به فرد نقوش و تزئینات قرآنی برای آزاد کردن و فعال کردن تخیل خلاق کودکان - که اندام و ابزار وصول به عالم مثال (خیال) به عنوان منبع صور مثالی و تمثیل هنری در اسلام به شمار می‌رود - استفاده می‌شود.

زیبایی‌شناسی اسلامی، که در نقوش تذهیب‌های قرآنی به ویژه در دوره تیموریه و صفویه مشهود است، شامل نقوش هندسی، ختایی‌ها و اسلیمی‌ها، نور، رنگ، مواد و تکنیک عالی اجرا و حسن ترکیب چون تعادل، هماهنگی، تکرار مداوم و حرکت پیوسته نقوش و رنگ‌هاست. ذهن کنجکاو کودک جویای حقیقت و دوستدار کشف است. فضای تذهیب‌های قرآنی به سبب تغییرات مناسب و بکر بودن عناصر تذهیبی و بی‌شباهتی به دنیای واقعی، قدرت کشف را در کودک و نوجوان بیشتر می‌کند و به او مجال تفکر می‌دهد. این مقاله درصدد است با روش پژوهش تطبیقی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از پرسشنامه اثبات کند که تصویرسازی نسخه‌های قرآنی با تزئیناتی جذاب و تفکربرانگیز ویژه مخاطبان کودک با توجه به الگوهای شاخص قرآن‌آرایی به‌ویژه الگوهای متعلق به دوره صفویه امکان‌پذیر بوده و خاصیت انتزاعی این نقوش و نمادین بودن رنگ‌ها، به آنها توانایی فعال کردن قوه خیال را می‌بخشد. **واژگان کلیدی:** تذهیب قرآنی، کودکان و نوجوانان، تربیت دینی، مفاهیم نمادین، تصویرسازی، ختایی، اسلیمی، خلاقیت، تخیل.

۱. این مقاله از طرح پژوهشی با عنوان «تحلیل زیبایی‌شناسی تذهیب‌های قرآنی دوره صفویه و کاربرد آن برای تصویرسازی کتاب‌های قرآنی کودکان» برگرفته شده است که به سفارش پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشکده هنرهای سنتی و اسلامی اصفهان، گروه پژوهشی کتابت و نگارگری و با نظارت آقای دکتر صمد نجارپور در تاریخ ۹۳/۶/۱۵ آغاز و در تاریخ ۹۴/۳/۱۵ به پایان رسیده است.

* استادیار دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول)

a.paydarfard@birjand.ac.ir

shafiei.fateme@gmail.com

** کارشناس ارشد فلسفه اسلامی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۷

مقدمه

معارف و دستوره‌های قرآنی، به‌عنوان محور بسیاری از مطالعات، آموزش‌ها و تربیت‌ها نقشی بی‌بدیل در میان مسلمانان دارد. قرآن مهم‌ترین منبع دین اسلام برخلاف دیگر کتب آسمانی از تحریف مصون ماند و نخستین گروه مخاطبان خود را به‌شدت متحوّل نمود و از آنان شخصیت‌هایی مؤمن، فداکار، معتقد به راه آزادی انسان و گسترش ارزش‌های الهی پدید آورد (بهجت‌پور، ۱۳۸۷، ص ۲۳). از سوی دیگر ظرفیت قرآن در تربیت و تحول انسان، مخصوص سن و یا گروهی خاص نیست. کودکان و نوجوانان به‌لحاظ وابستگی به بزرگ‌ترها و آمادگی و استعداد برای پذیرش هرگونه تعلیم و تربیتی شایان هرگونه توجهی و درخور هرگونه فعالیت امدادی و مستحق هرگونه برنامه‌ریزی دقیق هستند (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۱۷).

از آنجاکه اعتقادات، امور محسوس و قابل مشاهده نیستند، انتقال آنها به کودکان، دشوار و نیازمند ظرافت‌های خاصی است. با وجود این، نه ظرافت مفاهیم دینی و نه محدودیت‌های فکری کودکان، دلیل آموزش ندادن مفاهیم دینی و قرآنی نمی‌شود. بنابراین، یکی از اهداف اساسی آموزش قرآن در دوره حساس کودکی، انس و مطالعه مستمر کودک با قرآن و آموزه‌های آن است تا بدین‌وسیله کودک با انس با قرآن تربیت شود و خوبی‌ها و بدی‌ها و الگوی مناسب رفتاری را بشناسد که بی‌گمان یکی از بهترین روش‌های انتقال مفاهیم دینی، از طریق هنر هویت‌گرا انجام می‌پذیرد. کودکان ما از سنین کودکی به پرورش دینی نیاز دارند تا در آینده، مبانی اعتقادی و معنوی در درون آنها نهادینه شود و میل به انحرافات و از خودبیگانگی فرهنگی گریبان‌گیر آنها نشود. مصورسازی مفاهیم یکی از کارآمدترین روش‌های آموزشی و تربیتی دینی است تا کودکان مفاهیم را به‌صورت تصویر، بهتر درک کنند.

درواقع، هدف از مصورسازی تذهیب‌گونه کتاب‌های مذهبی کودکان، نگاه شهودی کودک و نوجوان به هنر است؛ یعنی نگاهی غیرحصولی که بر پایه کشف حضوری استوار است؛ پس هدف هنرمند مسلمان در نقش تعلیم‌دهنده آموزه‌های الهی به‌وسیله زیبایی در ساحت مادی است. بنابراین، در این مقاله تلاش شده است مخاطب کودک و نوجوان گروه سنی ۹-۱۴ سال (ب و ج) در نظر گرفته شود تا نقوش تذهیب قرآنی، متناسب با سن، به پرورش استعدادها بالقوه‌ای بپردازد که در ساختار وجودی کودک به ودیعت نهاده شده است و با غوطه‌ور ساختن او در یک فضای روحانی، مانند نور، پرواز و ملکوت موجب شناخت شود.*

پیشینه پژوهش

تعداد مکتوبات قرآنی ویژه کودکان که در پی یافتن راهکارهایی برای آشنایی و کشف مفاهیم عظیم قرآنی مانند زیبایی خداوند، نور، پرواز به ملکوت و... توسط کودکان باشند، بسیار اندک است. برخی پژوهش‌ها در این‌باره عبارت‌اند از: شاد قزوینی (۱۳۸۷)، «ویژگی‌های تصویرگری در کتاب‌های قرآنی کودکان»؛ پایدارفرد و شفیع (۱۳۹۵) هنر قرآنی (دفتر اول): زیبایی‌شناسی تذهیب‌های قرآنی دوره صفویه تحلیل و کاربرد آن برای تصویرسازی کتاب‌های قرآنی کودکان؛ و به‌طور غیرمستقیم کتاب کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا از ایریس‌یاب (۱۳۸۲) و کتاب حکیمی و کاموس (۱۳۸۲) با عنوان مبانی ادبیات کودک و نوجوانان و همچنین مقاله سلیمانی (۱۳۸۵) «نقش قرآن در تربیت انسان» که در این پژوهش سودمند بوده‌اند.

روش تحقیق

در این مقاله پس از بیان اهمیت خواندن قرآن از نگاه مخاطب کودک و نوجوان و معرفی تذهیب به‌عنوان هنر قرآنی و نقش آن در تربیت دینی این گروه، شاخص‌های معنوی تذهیب که برای تربیت دینی به‌کار گرفته می‌شود مانند فرم شمسه برای صفحات افتتاحیه، نشان پایان آیات و نشان صفحات و رنگ طلایی تذهیب معرفی می‌شود و با رویکرد زیبایی‌شناسی و نمادشناسی تحلیل می‌شود. مقاله با روش توصیفی، تطبیقی و تحلیلی انجام و اطلاعات با روش کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه به شیوه تحلیل محتوا، بررسی و تحلیل می‌شود.

ضرورت خواندن قرآن از نگاه مخاطب کودک و نوجوان معاصر

مخاطب قرآن در میان همه موجودات، انسان است که دارای روحی الهی است؛ دارای قلبی برای فهمیدن و دلی برای ادراک کردن؛ به همین دلیل بر هرکس که این کلام غیربشری را قرائت کند به شدت تأثیر می‌گذارد و هیچ‌گاه خستگی و ملالت نمی‌آورد (سلیمانی، ۱۳۸۵، ص ۴۲). کودک و نوجوان طوری رشد و پرورش می‌یابد که بیشتر تابع عوامل محیطی و اجتماعی رشد می‌شود. نفس به تدریج شکوفا می‌شود؛ ولی هر شکوفایی موجب آرامش کامل استعدادهای انسان نمی‌شود. تربیت قرآنی در مکتب اسلام، ذهن کودک را به قالب و آهنگ و محتوای آن به تناسب فکرش به خود جلب می‌کند؛ یعنی کودک آن را زنده و پراحساس می‌بیند. شاید تصور شود که درک مخاطب کودک و نوجوان از قرآن، محدود و سطحی است؛ ولی نتایج مصاحبه و پرسش‌نامه نشان می‌دهد که این دو گروه تعمق زیاد و دقیقی در معانی و تزئینات قرآنی دارند. کودکان و نوجوانان، خودشان

متذکر شدند که باید به انس با قرآن روی آورند و در این راه از همه ظرفیت علمی و عملی خویش بهره جویند. آنها معتقد بودند اگر مؤمنان از این موضوع مهم، غافل شوند و به سوی حبل متین قرآن حرکت نکنند، خسارتی را بر خود تحمیل کرده‌اند که مثال دنیایی آن از میان رفتن همه امکانات هستی و از دست دادن همه سرمایه زندگی است؛ یعنی همان حقیقت تلخی که خداوند برای تأکید، به آن سوگند یاد کرده است^۱ و راه رهایی از این خسارت را نیز به لحاظ فردی، ایمان و عمل صالح و از حیث اجتماعی آن، توصیه دیگران به حق و صبر اعلام کرده است.^۲

انس علمی و عملی با قرآن کریم از یک سو چشم دل انسان را می‌گشاید و او را برای فهم زبان فطری قرآن یاری می‌رساند و از سوی دیگر، آدمی را در مسیر صراط مستقیم به پیش می‌برد و فضائل اخلاقی و صفات ملکوتی را بر وجود او حاکم می‌کند و از سوی دیگر با مراقبت از مجاری ادراکی انسان، او را به تطهیر چشم و گوش و زبان و... و می‌دارد و از رهگذر این مراقبت‌های ملکوتی، انسان به حلقه پاکان وارد می‌شود و با نزدیک کردن او به «کتاب مکنون»، تماس نزدیک و معنوی با قرآن را برای انسان هموار می‌کند. این همنشینی و انس با قرآن کریم، افزون بر پیشگیری از غفلت‌ها، رفع آنها را نیز به دنبال دارد؛ یعنی نخست از ورود غفلت و گناه به ساحت روح انسان جلوگیری و آنها را دفع می‌کند و اگر آدمی از روی غفلت و غرور به خطا و گناه آلوده شد، پلییدی عصیان را به او می‌نمایاند و در جبران آن یاری‌اش می‌رساند تا کامیاب شود (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۹).

قرآن از سویی دردهای ناشناخته بشر را بیان و از سوی دیگر همه آنها را درمان می‌کند؛ زیرا خداوند، قرآن را درمان و شفای مؤمنان می‌داند^۳ و تا درد مشخص نشود، درمان میسر نخواهد شد. قرآن بیان می‌کند برای نجات از دریای عمیق تجملات دنیایی باید قرآن خواند تا «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» را درک و باورهای دینی را متناسب با مضامین آیات استشمام کرد.

جایگاه قرآن در هنر و نقش تربیتی هنر قرآنی بر کودک و نوجوان

مطابق سخن معصوم (علیه السلام) «الْعِلْمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴ق) یعنی یادگیری در کودکی و نوجوانی بسان حک کردن نقش بر روی سنگ است، راه‌های آموزش متفاوت است. در برنامه‌های آموزشی کودکان باید بر فعالیت‌ها و اصولی تأکید شود که رشد عقلانی و عاطفی آنها را افزایش دهد و انگیزه کودکان را برای دانستن بیشتر کند و باید متناسب با اهداف

۱. وَ الْعَصْرُ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (عصر، ۱ و ۲).

۲. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (عصر، ۳).

۳. وَ تَنزِيلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (اسراء، ۸۲).

آموزش آن مقطع سنی روش مناسبی استفاده شود؛ گاه بیان کلامی و مستقیم و گاه بیانی غیرمستقیم. مصورسازی یکی از کارآمدترین روش‌ها است؛ روشی که کودکان مفاهیم را به صورت تصویر بهتر درک و در حافظه بلندمدت خود حفظ می‌کنند.

بنابراین، مصورسازی کتاب کودکان باید به رشد فکری-عاطفی آنها منجر شود و با ذهن کنجکاو و پرسشگر کودک ارتباط برقرار کند. تصویر متون نیز باید ارضاکنده امیال و نیازمندی‌های شناختی-عاطفی و روانی کودک باشد. اگر کودک و نوجوان «دریافت‌های ذهنی» خود را روی کاغذ می‌کشد، باید تصاویری به کودک نشان داده شود که نیازهای ذهنی و عاطفی کودک را برطرف کند (ماهوشی، ۱۳۷۰، ص ۵). به همین دلیل از حوزه علوم قرآنی و هنر معناگرا کمک گرفته می‌شود که زبان ارتباط مردم و انتقال‌دهنده ارزش‌های مکتب قرآنی است؛ از این رو چنین هنری که به طور مستقیم با وحی و تجلیات الهی سروکار دارد، یادآور حضور یک حقیقت ملکوتی (حقیقت زیبا و نامتناهی نورالانوار) و یک وجه آگاهی است که در دستان ماهر یک هنرمند، انسان را به ملکوت رهنمون کرده، به آگاهی او شکل و او را به منبع زیبایی‌ها پیوند می‌دهد.

شاخص‌های معنوی تذهیب‌های قرآنی برای تربیت دینی

هدف هنرمند مسلمان در نقش تعلیم‌دهنده، همانندسازی حقایق الهی به وسیله زیبایی در ساحت مادی است تا انسان را به مقصود حقیقی خویش رهنمون کند که همان قرب به پروردگار است (نصر، ۱۳۸۸، ص ۱۷) و حقایق درونی قرآن را در روح کنجکاو انسان جاری کند و به خوبی نمایشگر تجلی وحدت در کثرت شود. بنابراین، قرآن، بارزترین محور همه هنرها و تصویرگری و خوشنویسی و تذهیب قرآنی بهترین شکل آن است که با ابتنای بر روح و تفکر قرآنی شکل گرفته‌اند و با نقوشی که ارائه می‌دهد و با داشتن هندسه روحانی، مظهر هماهنگی عالم شده است و با تناسب آهنگین و موزون خود از وحدت به کثرت و برعکس روی می‌آورد و موجب تذکر انسان به عالم علوی و ملکوت می‌شود که همگی نمایشی از وجه باقی حق هستند و این نبوغ و نظم هندسی در تذهیب، ریشه در تفکر اسلامی دارد و نمایش نوری است که مبدأ عالم است (نورالانوار) و نظامی سراسر توازن و آرامش را به ارمغان می‌آورد (ایرایی، ۱۳۸۰، ص ۲۱-۲۶).

هنرمند قرآنی نیز در پی تصور جهان مادی صرف نیست آن‌گونه که به حواس می‌آید (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۴۲)؛ بلکه در پی توصیف جهانی بیرون از مرز شکل و صورت است که چون عالم رؤیا تنها در تصور، قابل انعکاس است. به این علت نقوش گیاهی و درخت و گل‌ها در تذهیب استحاله یافته‌اند و نشان از اتصال این نقوش به مرتبه‌ای بالاتر دارند؛ همان‌طور که مرز قاطع

هر جهان در سلسله مراتب عالم، بازتابی از جهان بالاتر از خود است و چون زنجیره‌ای، هر رمزی، مثال عالی‌تری بر فراز خود دارد؛ برای مثال، درخت و چشمه مرکز طور زمینی‌اند؛ اما چون این مرکز جایگاه حقایق برتر است به قلمرو بالاتری تعلق دارد. از این رو بهشت از سویی زمینی توصیف شده و از سوی دیگر چنان از آن سخن گفته می‌شود که گویی متعلق به جهانی دیگر است (لینگز، ۱۳۹۱، ص ۲۵-۲۶) و نمود چنین تصویری در هنر تذهیب قرآنی دیده می‌شود. انتزاع نقوش گیاهی در اسلیمی‌ها و ختایی‌ها بالقوه زیبا هستند و چون زیبایی‌شان از تجلی زیبایی خداوند نشئت گرفته، در مفهوم حقیقی خویش زیبا هستند و زیبایی هنر اسلامی را آشکار می‌کنند. در واقع، «هنرمند مسلمان تنها بر این باور است که هنر را بر آفتاب اندازد تا عیان گردد و این نوع برداشت تصویری، ریشه در تفکر هنرمند تذهیب‌کار مسلمان مبنی بر شرافت دادن به ماده دارد» (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۳۳-۱۳۴).

هنر تذهیب قرآنی - که اولین آموزگار آن را حضرت علی (علیه السلام) دانسته‌اند - دارای مبانی معنوی است که بهترین آموزه‌های خویش را از مفاهیم کلام نورانی قرآن گرفته است و در مجاورت متن قرآن، قلب ما را ناخودآگاه دگرگون و به سوی زیبایی می‌کشاند. اگرچه تذهیب قرآن، نقوش و رنگ‌های خود را از طبیعت الهام گرفته است، ولی هنرمند تذهیب‌کار هیچ‌گاه در پی تقلید صرف از طبیعت نبوده است؛ زیرا دانسته یا نادانسته به دنبال نشانی از عالم غیب در تذهیب خود است. در واقع، هنرمند تذهیب‌کار در خلق تذهیب، لایه‌های پنهانی از معانی را چون هنر خداوند در نزول قرآن قرار داده است.

عناصر گیاهی تذهیب، نقوشی هستند که به نام نقوش درختی نیز نام‌گذاری می‌شوند و به علت مفاهیم عمیقی که در خود دارند از آنها به عنوان «شجره طیبه» یاد می‌شود. در قرآن بارها به انواع گل و بوته و درخت اشاره شده است؛ زیرا درخت نخستین عنصری است که اندیشه کمال را به ذهن می‌آورد و شاخه‌هایش به سمت بیرون و بالا متوجه است. قرآن همین مثل را برای خود، یعنی «کلمه طیبه» به کار می‌برد. سخن پاک «کلمه طیبه» چون درختی پاک «شجره طیبه»^۱ است که ریشه‌اش در زمین استوار و شاخه‌هایش در آسمان است (ابراهیم، ۲۴).

پیوند خوشنویسی و تذهیب‌های قرآنی، ما را به یاد همانندی میان «کتاب جهانی» و «درخت جهانی» می‌اندازد که هر دو از مظاهر شناخته شده مؤمنان هستند. مظهر نخستین، قرآن کریم و مظهر دومی از دل طبیعت سرچشمه می‌گیرد (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۶۲). از دیدگاه نصر، تزئینات اطراف خوشنویسی مانند هاله‌ای کلمه مقدس را احاطه می‌کند. به باور وی تذهیب قرآنی،

1. Lotus of limit

«سیلان روح به پروردگار را متبلور می‌کند و خود به تجدید و احیای روح که از حضور مقدس کلمه "الله" ناشی می‌شود، مدد می‌رساند» (نصر، ۱۳۸۵، ص ۳۳).

نمادهای مهم تذهیب‌های قرآنی، برای مصورسازی کتاب‌های قرآنی مخاطب کودک و نوجوان

نمادهای مهم تذهیب قرآنی شامل نور و رنگ، حرکت حبی، شمسه تذهیب و خورشید عالم‌تاب، بهشت و عالم خیال است که در ادامه بررسی می‌شوند:

الف) نور و رنگ



مخاطب کودک و نوجوان معاصر، تصویرها یعنی مجموعه نقش، رنگ، ریتم و ترکیب و... را بسان خود متن می‌داند و برای خود مفاهیمی می‌سازد. هنر تذهیب قرآنی نیز فطرت خداجو و پاک مخاطب کودک و نوجوانش را به راهی می‌برد که او مستقیماً از نور، اصل اصیل هنر اسلامی سخن می‌گوید و می‌گوید قرآن نور است، خدا نور است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» و اینکه چگونه به زندگی او معنا و روح می‌بخشد و شگفتی آنجاست که در پرتو نور به رنگ‌های معنوی دل می‌سپارد و می‌گوید: رنگ طلایی که تجسم نور معنوی و نمادی برای نورانیت محض و

ابدیت و جاودانگی است؛ جایی که به راحتی انسان خود را در فضای روحانی تفکر و سخن با خدا کشیده می‌شود. شاید در ابتدا ما فکر کنیم کودک وقتی خدا را نور می‌خواند، نور محسوس در نظرش باشد؛ ولی او نور محسوس را مجاز گرفته و

(تصویر ۲: برگی از کتاب قرآنی کودک با آیه ۳۵ سوره نور و مزین به تذهیب و نگارگری متأثر از تذهیب‌های قرآنی دوره صفویه. مناسب برای گروه ب و ج.
(تصویرگر: فاطمه محجویی، ۱۳۹۴)

خدا را هستی‌بخش آفریده‌ها معرفی می‌کند و باز متذکر می‌شود که همه ما نوریم و نور بودنمان به واسطه نور اوست و ما آینه‌هایی برای انعکاس نورانیت و زیبایی خدا هستیم و این همان سخنی



(تصویر ۱: طرحی از گل لاله نماد سالک و عاشق راه حق (شهید)، بخشی از طرح کتاب قرآنی کودک (منبع: نگارندگان)

است که حکمای مسلمان در قالب مسئله خیال و تخیل و عالم مثال و مظهر آینه بودن قوه خیال تشریح می‌کنند و آبی لاجوردی و فیروزه‌ای چگونگی به او آرامش خاص می‌بخشد و در فکر و روح او داخل می‌شود و با پاک‌ی، مهر و محبت یکی می‌شود و بازتابی از تکامل روح خواهد بود و کشف، شهود و اشراق را معنا می‌کند و حالتی ماورایی در انسان ایجاد می‌نماید.

رنگ قرمز در داغ‌های گل‌های تذهیب نمادی از شهادت است؛ چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: نپندارید که شهیدان مرده‌اند؛ بلکه آنان زنده‌اند و به دلیل داغی سیاه که بر گل لاله نشسته، نمادی از عاشق راه حق شده است و کودکان و نوجوانان بسیار این گل را

دوست دارند. همچنین، علت علاقه کودک و نوجوان به رنگ قرمز و گل‌های سرخ‌رنگ به دلیل سلطه و تفوق گل سرخ در میان گل‌های ایرانی است که افسون و فریبندگی خود را به دیگر گل‌ها ارزانی داشته و به همین دلیل که گل لاله تداعی‌کننده زیبایی گل سرخ است؛ زیرا نوعی گل لاله نیز بوی گل سرخ می‌دهد (ویلبر، ۱۳۹۰، ص ۲۵-۳۰)؛ از این رو چنین پاسخی از سوی این گروه مخاطب دور از ذهن نیست. از سویی زیادت نور در روح هم به سرخی تشبیه شده که در کلام پیامبر این سرخی جلوه‌گر شکوه خداوند است که فرموده گل سرخ از شکوه خداوند است و تأثیرپذیری این سخن بر جمال‌پرستی مانند روزبهان بقلی شیرازی که گفته: «من شکوه او (خدا) را به رنگ گل سرخ دیدم و حدی بر آن ندیدم» شاهد مثالی بر این گفته است (بلخاری قه‌ی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۸) (تصویر شماره ۱).

رنگ سبز فیروزه‌ای، دو نماد مهم را دربردارد: رنگ عرفان اسلامی و رنگ صلح است؛ رنگی روحانی که نماد ایمان و پاک‌ی از گناه است که این رنگ نزد مسلمانان، رنگ پیامبر ﷺ و اهل بیت طاهرین و اولادشان به شمار می‌رود. در واقع، رنگ سبز در آیاتی از قرآن به سبزی گیاهان و رویدنی‌های سطح زمین و در آیاتی به سبزی لباس‌های حریر بهشتیان و فرش‌های بهشتی اشاره شده است؛ از این رو شاید گذر ذهن این گروه مخاطب به این رنگ با توجه به مصادیقش دور از ذهن باشد؛ ولی برای مخاطبی که مسلمان است و در میان مردمی با همین باورها زندگی می‌کند نباید گفت کودک و نوجوان معاصر قادر به درک چنین معنویتی نیست (تصویر شماره ۲).

کودک به استفاده از رنگ سفید در تذهیب نیز تأکید دارد تا بیان‌کننده قداست، نورانیت و معصومیتی غیر ملموس باشد. وی با توجه به پاکی و صفای رنگ سفید، به نماد وجود مطلق می‌رسد که خود سرمنشأ هستی است. همچنین، رنگ سیاه در اسلام را نمادی از وحدت می‌داند که جایگاهی خاص دارد؛ به‌ویژه با استناد به رنگ پوشش (کسوه) کعبه، به‌عنوان اصل حاکم نمادی فراوجودی، که حتی از وجود مطلق به مفهوم متعارف نیز بالاتر می‌رود، رنگ سیاه اطراف نقوش را به شکل دورگیری می‌پوشاند تا تجلی نقوش بیشتر شود.

ظاهر و باطن وجود کودک با پرواز ملکوتی و آهنگ فرشته شدن و رسیدن به ملکوت ارتباط نزدیک دارد و این همان نقطه عطف در انسان است که زندگی را برایش عمیق کرده، آن‌گونه‌که همیشه براساس منابع قرآن و روایات تعریف می‌کند. در تصویر شماره ۲، در تصویرسازی قرآنی خاص کودک و نوجوان، یک برگ دولت در نظر گرفته شده و آیه ۳۵ سوره نور، معروف به آیه نوریه، برای این نمونه کتابت شده است. با توجه به مفاهیم عمیقی که در تذهیب‌های قرآنی نهفته است و همچنین ارتباط رنگ طلایی با نور معنوی و کمک از خود آیه، از عناصر نگارگری برای کتیبه‌های دو طرف خوشنویسی استفاده شده است.

چون پرنده، که اغلب نماد نفس و جان شیدا است که به افلاک پر می‌کشد و در حالت رمزی به تکامل می‌رسد، فرشتگان بالدار – که ادامه تفکر پرواز در ملکوت هستند و به اذن حق اوامر او را محقق می‌کنند – هنگامی که روح در قفس دنیا و لذت‌های زمینی با اصل خویش بیگانه می‌شود، شکل تکامل‌یافته‌ای از موجودات بالدارند که برای اهل بشر قابل رؤیت می‌شود و ملکوت در ذهن مشتاقشان محقق می‌سازد تا با شناخت خود با نمونه آسمانی و اصل روحانی خود متحد شود.

پس، در تصویر شماره ۲، فرشتگان بالدار، آسمان و ابر برای بیان قداست، سبکی، پرواز و عروج استفاده شده تا تخیل کودک را در مسیر روشنایی و حقیقت مینوی سوق دهد. همچنین، طبق آیه نوریه، که خداوند در آن از مشکات یا چراغدان سخن می‌گوید و آن را برای درک نور معنوی مثال می‌زند، از فانوس در کتیبه پایین آیه استفاده شد تا مفاهیمی مانند نور الهی، نور مادی و پرواز به سمت پاکی و آرامش شکل بگیرد. بدین‌سان نگاره فرشته به همراه ابرک‌های سپید، شمس و فانوس در تذهیب کتاب قرآنی می‌تواند مفهوم نور جلال و شکوه تابان و اشراق ازلی و پاکی بی‌حد را متجلی کند.

ب) حرکت حبی، شمسه تذهیب و خورشید عالم‌تاب

مخاطب با سخن از شگفتی ساقه‌های پیچ در پیچ مؤیدی بر دوانیدن گیاه عشقه یا همان عشق در وجود نورانی انسان می‌شود و حبه‌القلب همان انسان بر روی زمین ملکوت می‌روید و شجره طیبه می‌شود. چون این شجره بالیدن گرفت، عشق مانند عشقه، گرداگرد این درخت می‌پیچد تا روان او را مطلق و شایسته باغ الهی (عالم ارواح) کند و جان را به عالم بقا و تن را به عالم فنا رساند؛ زیرا در عالم کون و فساد، هیچ چیز نیست که طاقت بار عشق داشته باشد (سهرودی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷-۲۸۸). با خلاص کردن روح از سنگینی مادیات و دل مشغولیات، آن را به شکل سیال در می‌آورد تا فضایی رمزی و موج از نور ایجاد کند؛ فضایی که بودن در آن، بیرون را از یاد انسان می‌برد. بنابراین، وجود رنگ‌های طلایی و آبی لاجوردی، چنین ویژگی‌هایی دارند که کودک و نوجوان از رنگ‌های طلایی و آبی لاجوردی و با توجه با آیه نوریه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» از زیبایی خورشید در نقش شمسه و دوایر طلایی‌رنگ پایان آیات و ستاره‌های بافته‌شده از آینه‌های خرد شده - مانند تذهیب‌های دوره صفویه - سخن می‌گوید که بیشتر تداعی آسمان‌اند؛ فضایی به کمال رسیده که نشان از سازگاری آفرینش دارد و مستقیم و غیرمستقیم انسان را، از تنگنای زمین به آسمان و جهانی فراتر از جهان بشری متمایل می‌کند.

پیچش همه عناصر و به‌ویژه گل‌های سرخ‌رنگ (داغ سرخ) و لاله‌سرخ‌رنگ رابطه‌ای را بر مبنای مهر و عشق بنیان می‌نهد که رنگ شنجرف حلقه‌ای را در دل شمسه پدید آورده و او را در چرخه مهر همواره رو به معشوق نگه داشته است. همچنین، شعاع‌های اطراف، که همان شرفه‌های اطراف نیم ترنج یا خورشید نیمه‌پنهان هستند، انعکاسات متعدد نورانی ما را به سوی نظامی متعدد از انوار سوق می‌دهد و هدایت الهی را به سوی بشر آشکار می‌کند؛ آنچنان‌که نور هدایت خداوند بر همه موجودات، یکسان تابیده است و این ما هستیم که به قدر فهم و درک خود، نور الهی را دریافت می‌کنیم. این رابطه دو طرفه میان خالق و مخلوق، که رابطه مهر است و براساس مشاهده و اشراق انوار زیرین و زبرین شکل می‌گیرد، تذهیب را از ابعاد و تنگناهای جسمانی فراتر می‌برد تا مخاطب کودک و نوجوان به یاری صفای فطری و باطنی در ساحتی روحانی تصویری آرمانی به دست آورد از آنچه در ذهن دارد. همین حقیقت نور است که در قالب رنگ و نقش جلوه‌گری کرده است تا پیش از هر چیز با ساختن دنیایی از نور و ایمان و راستی به کودک و نوجوان شوق دوستی با کلام زیبا و پر رمز الهی را بدهد.

ج) بهشت و عالم خیال

نگاه کودک به تذهیب همان نگاهی است که مخاطب را از افق حیات جسمانی و وجدان روزانه خود به مرتبه‌ای عالی‌تر ارتقا می‌دهد و این همان درک وجه آسمانی موجودات است و کودک و نوجوان توانسته است این‌گونه عظمت و زیبایی وحی را در لابه‌لای این نقوش مجرد درک کند؛ یعنی ادراکش متحول شده، دیگر تذهیب را یک شیء مادی ادراک نمی‌کند؛ بلکه او از نور اشراقی و حکمت الهی بهره‌مند شده است که نصیب پرهیزگاران می‌شود و توانسته نورانیت متجلی شده در نقوش انتزاعی تذهیب را درک کند؛ همان چیزی که کربن آن را تخیل خلاق (تخیل به معنای واقعی) تعبیر کرده است (نصر، ۱۳۸۵، ص ۷۷ و کربن، ۱۳۹۰، ص ۲۶۰)؛ یعنی قدرت تخیلش به خلاقیت می‌رسد که مانند آینه عمل می‌کند و احساسات مناسب هنری ایجاد می‌شود که به درک نوع انتخاب رنگ و صورت در هر اثر هنری (اسلامی) قادر است که نیازمند تهذیب جسم و ذهن و وصول به چشم مسلحی است که غیر از حقیقت چیزی نمی‌بیند و توانایی‌های ذهن و تخیل مخاطب را توأمان به‌سوی درک درست هنری سوق می‌دهد (سیدقطب، ۱۳۵۹، ص ۱۱۷).

بنابراین، تذهیب و نگارگری، تصویر عالم ملکوت و خیال است و استفاده از رنگ‌های غیرواقعی یعنی غیر از آنچه در عالم جسمانی محسوس است، رنگ‌های به‌کار برده شده در تذهیب مثل رنگ‌های طلایی و لاجوردی و فیروزه‌ای، فقط ناشی از ذوق هنرمند نیست؛ بلکه نتیجه رؤیت و شهود واقعیتی است عینی، که فقط با شعور و آگاهی خاصی در وجود هنرمند امکان‌پذیر است؛ زیرا مشاهده عالم خیال محتاج به باز شدن چشم دل و رسیدن به مقام شهود است. بنابراین، هنرمندان با تذهیب، دری به‌سوی عالم بالا و فضای بیکران جهان ملکوت گشوده‌اند؛ فضایی مافوق زمان و صیرورت و کشمکش‌های دنیوی، فضایی که روح در آن بار دیگر آرامش فطری خود را باز می‌یابد (نصر، ۱۳۸۳، ص ۱۸۹-۱۸۳) یعنی عالم بیکرانه خیال منشأ تمام خلاقیت‌های هنرمند در عالم کون است؛ هنرمند قوه خیال خود را با سیر و سلوک به یاد صور خیالی خواهد انداخت و تمایل و تصاویر ساخته‌شده را از رفتن به سمت و سوی بیراهه و تقدس‌زدایی می‌رهاند. قلمروی با ادراکات لطیفه بر روی پرده خیال منعکس می‌شود. وسیله وصول به مرتبه توحید است که در آن تموجات ذهن و صور اشیا فرو می‌نشینند و محو می‌شوند و شناخت‌های گوناگون باطل می‌شوند و آگاهی از حالت عدم تجانس و پراکندگی می‌آید و به تجانس و یکپارچگی می‌گریند و علم توحید در اعماق دل سالک نقش می‌بندد (شایگان، ۲۵۳۶، ج ۲، ص ۸۲۲-۸۲۴ و شفیع‌ی، ۱۳۸۹، ص ۶۷).

نقش تربیتی تذهیب قرآنی در توجه مخاطب کودک و نوجوان معاصر نسبت به قرآن

انسان همواره با نیروی نقش و رنگ پیوند داشته و آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تأثیر آن بوده است و هر فردی به شیوه‌ای خاص به این پدیده واکنش نشان داده است (علوی مقدم و سوسن پور، ۱۳۸۹، ص ۸۷). درباره مصورسازی کتاب‌های مذهبی کودکان نیز تا حدودی باید معیارها را تغییر داد و به سمت هنر اسلامی رفت و آن نوع هنری را برای کودک در کنار متن مذهبی در نظر گرفت که در روند شکل‌گیری اسلام و به واسطه آن، بسیار مهم بوده است؛ هنر تذهیب وابسته به قرآن، نیز آنچنان‌که تا امروز در کنار کلام وحی، مصورسازی انتزاعی کلام‌الله مجید بوده است. برای کتاب قرآنی کودک نیز با حفظ اصول و انجام تغییراتی در برخی آنها همچنان تأثیرگذار و ناب خواهد بود و استفاده از این هنر درون‌گرا برای تعلیم و تزکیه کودک و نوجوان، مخاطب خود را به مراقبه و تزکیه در درون سوق می‌دهد؛ زیرا مخاطب نوجوان در سنی قرار دارد که دوران بیداری مذهبی اوست. جهان برای او رنگ خدایی می‌گیرد و چنان مجذوب می‌شود که خدا را در قلب خود احساس می‌کند و در تنهایی با او سخن می‌گوید و این شور و جذبه پاک و مقدس نقطه مثبتی برای تربیت و فراگرفتن مفاهیم خیر است. رنگ‌ها می‌توانند دو بال طایر قدسی و ملکوتی عقل و نقل را در خیال کودکانه بیامیزند و با آنها پرواز در فضای استدلال بزرگان را برای کودک و نوجوان میسر کنند؛ مذهب، باغبان نظام هستی ذهن و درون کودک شده و نگاره‌ها، درخت وجود انسان را هرس می‌کند تا رشد این نهال ممکن شود و به دلیل تجریدی بودن تذهیب‌های قرآنی، حس پرسشگری در کودک ایجاد می‌شود. نقوش انتزاعی در کنار کلام وحی برای کودکان خود هستی و زندگی خواهد بود؛ از این رو، نقوش نمادین تذهیب، کودک و نوجوان را به سمت فضایی حرکت می‌دهد که نوعی هستی و بودن است و او در رابطه با چیزی قرار می‌گیرد که تحول‌خیز شده، نفوس و ارواح پاکیزه، که به تطهیر پروردگار جهان از رجس جهالت، معصوم و مطهر است، به صیقل تذهیب و تقدیس،^۱ از آلودگی معصیت پاک و منور خواهد ماند (صدرالمتألهین، ۱۳۴۰، ص ۵).

در تصویر شماره ۳ در دومین نمونه مصورسازی، آیه ۲۰ سوره مزمل انتخاب و در تذهیب یک برگ دو لتی روبه‌روی هم مطابق الگوی قرآن‌های صفوی تزئین شد. لت اول پُر کار، دارای تاج و حاشیه، متصل به متن با رنگ‌های درخشان‌تر از تذهیب‌های قرآنی دوره صفویه و جداول ساده‌تر و اما گیرا و جذاب برای کودک مصور شد. همچنین، در کنار نام سوره، تصویری از پرنده‌ای قرار داده شد که نگاهش به سمت بالاست و پرنده در واقع نماد انسانی است که می‌خواهد به واسطه آیات رحمانی قرآن به سوی پروردگار پر و بال بگشاید و لت دوم ساده‌تر با شرفه‌هایی متفاوت از لت اول

۱. إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب، ۳۳).



به نشانه ورود به متن قرآن و لزوم توجه به متن بیش از تزئین و نقش و نگار است. ذکر این نکته لازم است که ترجمه فارسی به خط نستعلیق شنجرف و متن عربی به خط نسخ مشکی مطابق قرآن‌های صفویه کتابت شد و البته در اندازه بزرگ‌تر که برای کودکان راحت‌تر قابل خواندن باشد. اگر کلمات فارسی در فواصل یکسان و منظم قرار ندارند، به این دلیل است که تلاش شد ترجمه هر کلمه تا حد زیادی زیر کلمه عربی قرار بگیرد تا کودک به دنبال جستجوی معنای تک‌تک کلمات عربی در ترجمه فارسی نیز باشد (تصویر شماره ۳).

(تصویر ۳: برگی از کتاب قرآنی کودک با آیه ۲۰ سوره مزمل و مزین به تذهیب و نگارگری متأثر از تذهیب‌های قرآنی دوره صفویه، مناسب برای گروه ب و ج).
(تصویرگر: فاطمه محجوبی، ۱۳۹۴).

نوجوان به خوبی درک می‌کند که زیبایی نهفته در نقش و رنگ تذهیب، کیفیتی آرامش‌بخش و رهایی‌بخش دارد؛ زیرا حامل پیامی

از ساحت خداوند است، زیبایی‌اش را از وحی می‌گیرد و از یقین سرچشمه گرفته، به یقین می‌انجامد؛ از این رو جلوه‌ای از رحمت بی‌پایان خداوند است که بیننده را تنها به یاد خدا می‌اندازد و او را به خدا نزدیک‌تر می‌کند. طنین کلام الهی به عبارت بهتر حضور خداوند در هر گوشه این نقش و نگار و ترکیب رنگ است که قلب انسان را کانون طنین حضور قرار داده است. این یعنی همان تجلی بی‌صورت در صورت، مداخله ابدیت در مکان و ازلیت در زمانی که متفکر هنر اسلامی، فریتیوف شوآن، مطرح کرده است؛ عالی‌ترین وجه از هنر که به حقایق زبان آسمانی جلوه‌ای تازه بخشیده است. این پدیده قدسی در مجاورت کلام قدسی متعالی، تجلی زیبایی نامتناهی خداوند است و تجلی‌گر وحدت در کثرت می‌باشد و کودک و نوجوان بنابر ذوق و

استعداد معنوی از آن فیض می‌برد و او می‌تواند تجربه مستقیم خود را با خدا تجسم کند و این نباید ما را به این سو سوق دهد که منظورمان القای برداشت و تعبیر شخصی است؛ بلکه می‌خواهیم بگویم آن قدر مقدس است که تجلی نمادی متعالی است و اشاره به حقیقتی متعالی دارد که تصویر ناکردنی است و در شرح نمی‌گنجد (فغفوری، ۱۳۸۷، ص ۶۱-۶۴). کودک و نوجوان فطرتاً در توصیف چگونگی احساسش از تذهیب قرآنی، از یقین و آرامشی سخن می‌گوید؛ یقین به امر مطلق (وجود المطلق)، به هستی "ضروری" ای که وجودات "امکانی" را متجلی می‌سازد و تعیین می‌بخشد؛ یقین به آنچه وجودش ضروری است و نمی‌تواند باشد؛ حال آنکه ممکنات می‌توانند باشند و یا نباشند؛ آرامش با ریشه یافتن در آنکه هست. یقین آرامش می‌آورد؛ آرامش به نفس رسوخ می‌کند، و پرتو یقین، آزادی‌بخش است. یقین، آرامش و ایمان در کنار این هستی ضروری و آزاد و به واسطه آنکه فقط همان است که به همه آنچه در جهان و در انسان هست معنا می‌بخشد، و نور، صلح و حیات است (شووان، ۱۳۸۱، ص ۲۸۴-۲۸۵).

به سخن امام خمینی، تمام علوم (و هنرها حتی تذهیب) وسیله‌اند برای اینکه خود را به نور مطلق اتصال دهند و قهرمان جرعه‌نوش وصال محبوب شوند. نوری که انسان امروزی، در ظلمتکده مدرنیسم به شدت نیازمند ذره‌ای از آن است تا مسیر زندگیش را درست ببیند (فروردین، ۱۳۸۷، ص ۴-۵) و اینجاست که کودک می‌تواند تفاوت این کلام الهی با متون ارزشمند دیگر را درک کند. قرآن خود مظهر فیض و اشراق نور حق است؛ از این رو نقوشی نیز که ملهم از محتوای آن باشد، زیبایی‌های حقیقی و راستینی هستند که چشم و دل جان‌های پاک را به تماشا می‌نشانند. آنگاه که قوه خیال آینه‌ای باشد برای صوری که این نقوش خود مظهری از آنهایند، کودک تلاش می‌کند از تمام امور محسوس پیرامونش و غیر محسوس شنیداری‌اش مدد جوید تا به همراه آنها افق دیدش را به آسمان اوج دهد و به تفسیر شکوه و جمال آفرینش و ملکوت زیبایی‌های اخلاقی و معنوی پردازد؛ گاه با مفهوم فرشته اوج می‌گیرد، گاه با مفهوم خورشید و شمس و گاه با گل و پرند. کودک در هر صورت تلاش می‌کند فضایی را تصور کند که در آن سعادت و رستگاری است و به ارزش‌هایش موجودیت ببخشد؛ به‌عنوان یک موجود با اراده، سرنوشت نقوش را به مدد قوه خیالش رقم می‌زند. هر نقشی به او این امکان را می‌دهد که جنبه‌های گوناگون شخصیتی خویش را به مدد قوه خیالش بازسازی کند؛ در لابه‌لای واقعیت‌ها و حوادث قرآن، خود را در مقام شخصیت‌ها تصور کند.

این همان چیزی است که در اندیشه غربی با کنار گذاشتن عالم خیال و سلوک هنرمند و بهره‌مندی خیالش از صور روحانی و نورانی آن عالم، و محبوس کردن خیال هنرمند در فضای

محسوس مادیات، تعهد به امور اخلاقی را نیز رها کرده و هنر خویش را به بیراهه کشانده‌اند. در چنین فضایی صرفاً تصاویر محسوس خلق می‌شوند که فاقد معانی عظیم و فقط در بردارنده زیبایی ظاهری هستند که در پرتو آن، فکر خاصی نیز پرورانده نمی‌شود. هنر مدرن، خود گویای این مطلب است. شأن قوه خیال در هنر غربی، رجوع به محسوسات، دنیا و اکتفای به آن بوده است؛ از همین رو هنر غرب به یک معنا، عین بی‌هنری است (ریخته‌گران، ۱۳۸۹، ص ۱۳-۱۵). فریتیفو شوآن هنگام بحث از هنر دینی می‌نویسد: «اگر بین مثل قائم به ذات در عالم مثال و صور موجودات در این جهان، نوعی رابطه برقرار باشد، هنرهای تصویری را باید یکی از فنون قابل توجه و پر رمز و راز به شمار آورد». طرح نظر شوآن در باب هنر دینی اهمیت آن را به این اصل استوار می‌داند که آنان به‌عنوان مظهر صور الهی، هم اثری هنری و هم هنرمند است؛ اثر هنری است از آنجا که «صورت» و «تصویر» است و هنرمند است از آنجا که این صورت از آن صانع و صورتگر الهی است و در میان موجودات فقط او می‌تواند آثاری را به وجود آورد (یعنی قدرت آفرینشگری)؛ بنابراین هنر در عالم روح نشئت دارد (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۱-۳۹۰).

قالبی که در تذهیب با رنگ و نقش خاصش ارائه می‌شود، ضمن اثربخشی و ثمردهی در تعلیم و تربیت، پیام‌های ابهام‌آلود و گاه خرافاتی و تعصب‌آمیز ادیان سنتی را ندارد و در صدد بیان وحدت‌بخش است (مشایخی‌راد، ۱۳۸۵، ص ۱۱، پیشگفتار مترجم). مُدَّهَب در مقام متصدی حقیقت بوده و مخاطب کودک و نوجوانش مانند شاگردی است که زمینه را برای خلاقیت و ابتکار او فراهم آورده است تا با رجوع به تصورات درونی خویش به آنها اهمیت دهد؛ زیرا با نقوش و رنگ‌هایی مواجه می‌شود که درک و فهم آن نیاز به تأمل بیشتر و مدد گرفتن از قوه خیال دارد. در واقع، حس کنجکاوی او را برمی‌انگیزاند تا بتواند به تدریج، اساسی مافوق طبیعی به آنها دهد و خط بطلانی بکشد بر نظرات برخی مبنی بر اینکه نوجوان معاصر قادر به درک چنین معنویتی نیست؛ اما منظور ما این نیست که برای دستیابی به معنویت و آموزش مفاهیم دینی از ضروریات روزمره خود چشم‌پوشیم و موجبات فقر و اضمحلال مردم را فراهم آوریم؛ بلکه ما با این هنرها و علوم تلاش می‌کنیم جهان‌بینی و نگرشی همه‌جانبه از زندگی در ذهن و خیال کودکان ایجاد کنیم تا آنها بتوانند راه خود را براساس استعدادهای فردی خود برگزینند. همچنین، تلاشی برای ترویج احساسات زیبایی‌شناختی باشد تا کودکان همواره درباره آنچه فکر کنند که زیبا است و به مرحله عالی خودشناسی و خداشناسی برسند.

قدرت مصورسازی به‌عنوان مهم‌ترین قدرت تخیل در حوزه تصاویر انتزاعی سبب می‌شود تا مخاطب احساس کند که چیزی را به‌گونه‌ای متمایز می‌بیند؛ لمس می‌کند؛ می‌بوید یا می‌شنود.

نگاره‌ها غالباً با ساختن طرحی از تصویرها هیجان را برمی‌انگیزند؛ به‌گونه‌ای که بیننده آن اندازه که به‌وسیله احساسات تحریک می‌شود چنانچه درباره تصاویر لاله خواهیم دید. تصویر حلقه زدن دو چیز از دو دنیای متغایر در یک نقطه معین است (نبی‌لو، ۱۳۸۸، ص ۳۲۸).

کودک و نوجوان تأثیر این جاذبه نیرومند معنوی نقش و نگار تذهیب را که کلام وحی را در برمی‌گیرد پنهان نمی‌کند و به‌خوبی متذکر می‌شود که انگار در مقام سخن با خدا نشست است. گویا خدا در دلش چیزی می‌گوید و این همان قداست ارتباط عبد و مولاست و در نوجوان امکانی از جلوه‌های وجود مطلق بازتاب شده است. در واقع، فضایی فراهم شده تا آدمی مانند بایزید بسطامی خود را کنار بگذارد و از صورت خود به‌صورت حق درآید که آدمی از آن آفریده شده است؛ فضایی که شخص از جستجوی ماسوی الحق فاصله می‌گیرد و نورانیت نفس (که هم نورانی و هم ظلمانی است) تقویت و ظلمت جسمانی را تضعیف کند و این حرکتی به‌سوی وحدت و همگرایی محسوب می‌شود (چیتیک، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱) و عظمت و نورانیت مطلق حق را درک کند. نفس نورانی است که توانسته با کیمیاگری به‌وسیله چنین هنری روح انسان را دگرگون کند. او ورای زمان قرار می‌گیرد تا با نقش و رنگ میزان فضیلت و دستاوردهای خود را بسنجد و مخاطب خود را به‌سوی بی‌رنگی ببرد و به‌سوی نورانیت وحدت مطلق و قلمرو وجود مطلق است که در آن افتراقی نیست (اردلان و بختیار، ۱۳۹۰، ص ۷۷-۷۸).

پاسخ‌های متفاوت نوجوان به سؤالات نشان می‌دهد که مخاطب کودک و نوجوان قرآن، تمامی قرآن را با تمامی مضامین آن دوست دارد (جدول شماره ۱: پرسش‌نامه انتخاب سوره و آیه توسط گروه مورد نظر جهت مصورسازی).

در پایان پرسش‌نامه نظرسنجی دانش‌آموزان یک مدرسه در یاسوج آمده است. پرسش‌نامه اول سوره‌های پیشنهادی دانش‌آموزان (جدول شماره ۱) و پرسش‌نامه دوم پس از نمایش تذهیب‌هایی که برای قرآن، مخصوص این گروه آماده شده است، درباره علاقه به تذهیب‌های قرآنی و قرآن مُدْهَب مخصوص خودشان با تذهیب‌های آن از آنها سؤال شده است (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۱: علاقمندی دانش‌آموزان به کدام سوره قرآن جهت مصورسازی، مقطع دبیرستان نوبت اول، پسرانه

سوره مورد علاقه	علت علاقه
حمد	<p>۱. در برداشتن پاسخ اکثر سؤالات شب اول قبر؛</p> <p>۲. در برداشتن معانی عمیق و حکمت‌آمیز؛</p> <p>۳. موجب آرزوی گناهان و شادی و تندرستی می‌شود؛</p> <p>۴. مایه آرامش است؛</p> <p>۵. اشاره به صفات و عظمت خدا مخصوصاً آنجا که فقط خدا را شایسته ستایش معرفی می‌کند؛</p> <p>۶. روحیه گرفتن با خواندن آن هنگام ترس؛</p> <p>۷. رهایی از ترس و آرامش گرفتن؛</p> <p>۸. سخن از خدایی که صاحب روز قیامت است؛ ولی مهربان است و قابل ستایش؛</p> <p>۹. خصوصاً آیه ۱ درباره شکرگذاری از خدا؛</p> <p>۱۰. موجب پاک شدن گناه و مایه آرامش است.</p>
بقره	<p>۱. بزرگ‌ترین سوره است و به دلیل آسانی حفظ آن؛</p> <p>۲. دادن آرامش و باعث موفقیت در زندگی می‌شود؛ خصوصاً آیات ۵۱ تا ۵۳؛</p> <p>۳. کمک در حل مشکلات زندگی خصوصاً آیه ۲۷۵؛</p> <p>۴. دلیل خاصی ندارد.</p>
نور	<p>۱. دارای متن جذاب و قرائت آسان؛</p> <p>۲. خصوصاً آیه ۳۵.</p>
مزمّل	<p>۱. خصوصاً آیه آخر که درباره قرآن و وجوب نماز و سخن از پیامبر ﷺ است؛</p> <p>۲. باعث کمک در امتحانات می‌شود.</p>
کوثر	<p>به دلیل شأن نزول آن که در شأن حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> و پیامبر ﷺ است.</p>
قدر	<p>۱. خواندنش حس خوبی می‌دهد؛</p> <p>۲. اولین سوره نازل شده بر پیامبر و مایه آرامش است.</p>
عصر	<p>نشانی از امام زمان و ظهور و دلگرمی است برای انتظار فرجش.</p>
آیت الکرسی در بقره	<p>۱. اولین سوره‌ای است که حفظ کردم و موجب دوری بلا می‌شود و هرکس آن را بخواند یک اجر از طلا در بهترین جای بهشت برایش گذاشته می‌شود؛</p> <p>۲. خواندن آن باعث احساس نزدیکی به خدا می‌شود و انگار خدا در قلب انسان چیزی می‌گوید؛</p> <p>۳. مایه آرامش و کمک است.</p> <p>۴. موجب بازداشتن از کارهای بد، شر و ناراحتی است.</p>
یاسین	<p>نشان دادن بزرگی و قدرت خدا و قرآن است و موجب نزدیکی به خدا می‌شود.</p>
جمعه	<p>۱. سخن گفتن از ظهور امام زمان <small>عجله الله تعالی فرجه</small> در روز جمعه؛</p> <p>۲. راست‌ترین سخن و مایه آرامش است.</p>
فلق	<p>دادن احساس خوب و احساس پشت و پناه بودن خدا نسبت به من.</p>
آل عمران	<p>۱. خواندن این سوره مرا به دنیای دیگری می‌برد؛</p> <p>۲. خدا در این سوره راه و رسم زندگی، چگونه سخن گفتن با یکدیگر را یاد داده است؛</p> <p>۳. دلیل خاصی ندارد.</p>
توحید	<p>۱. درباره صفات خداست؛</p> <p>۲. نشان دادن خدا به بزرگ‌ترین شکل؛</p> <p>۳. اشاره به یگانگی خدا؛</p> <p>۴. از اصول دین است؛</p> <p>۵. دادن احساس آرامش؛</p> <p>۶. خدایی که رهبر همه انسان‌هاست و همتایی ندارد؛</p>

سوره مورد علاقه	علت علاقه
	۷. روحیه گرفتن از آن هنگام ترس؛ ۸. آهنگ خاصی دارد.
ناس	۱. درباره خودمان است و سوره مردم است و با آن احساس برتری می‌کنم؛ ۲. بیان مسائلی درباره خدا و مردم؛ ۳. دادن حس آرامش؛ ۴. زیبا و آموزنده است و این سوره احساس آرامش به من می‌دهد؛ ۵. حق مردم.
نبأ	۱. آرامش‌بخش است؛ ۲. شیرین و خوب است؛ ۳. خبر از قیامت می‌دهد.
تکویر	۱. دادن احساس آرامش؛ ۲. احساس پیش خدا بودن؛ ۳. احساس تنهایی نکردن؛ ۴. باعث کمک در کارهای زندگی است؛ ۵. دارای کلمات خاص و آموزنده و ایجاد احساس سبکی روح در من.
یوسف	۱. آموزنده بودن سوره؛ ۲. دادن احساس آرامش؛ ۳. دوست داشتن شخصیت حضرت؛ ۴. خواندن این سوره باعث آگاهی از قدرت و عظمت خداوند است؛ ۵. دادن احساس اینکه خدا تکیه‌گاه و پشت و پناه من است؛ ۶. اشاره به زندگی حضرت یوسف، بیشتر آیه‌های ۶ تا ۱۱ را دوست دارم.
فجر	سخن از دهه فجر و ۲۲ بهمن
مرسلات	به دلیل تکرار آیاتی که در آن اشاره بر تکذیب‌کنندگان دارد.
قیامت	درباره گناهان و روز قیامت است و با خواندن آن به گناهانم توجه می‌کنم.
سوره‌هایی با مضامین داستانی	جالب بودن مفاهیمشان و باعث درک بیشتر و مایه آرامش‌اند.
مانده	سخن گفتن از همکاری
فلق	دادن احساس خوب و آرامش و اینکه خدا تکیه‌گاه و پشت و پناه است.
همه سوره‌ها	در همه سوره‌ها سخنان خدا و پیامبران وجود دارد و آرامش می‌دهد.
الرحمن	خواندنش لذت‌بخش است.
یاسین	نشان دادن بزرگی خدا، قرآن و قدرت خدا و دادن احساس نزدیکی به خدا

جدول ۲: نتایج نظرسنجی گروه ب و ج در یک مدرسه ابتدایی پس از مشاهده مصورسازی چند برگ از کتاب قرآنی کودک

۱. دوست دارید قرآن‌های مخصوص شما دارای تذهیب‌های ساده‌تر باشد که به شما نشان داده شد؟ ۲. آیا این قرآن‌ها با این تذهیب‌های ساده برای شما خیال‌انگیز، احساس برانگیز و دوست‌داشتنی بود؟	تصاویر تذهیب‌های جدیدی که به شما نشان داده شد چه احساس و فکری را به شما منتقل می‌کند؟
۱. بله، تقریباً دوست دارم. ۲. بله، خوب است. هم ساده و هم زیبا هستند.	احساس دلگرمی، اینکه چگونه شما توانستید ذهن ما را بخوانید و نقاشی کنید.
۱. بله ۲. بله، به‌ویژه کار با آبی کم‌رنگ و طلایی که در یکی از تصویرها وجود داشت که خیلی ساده بود.	زیبا هستند؛ ولی برخی زیاد قشنگ نبود؛ مثل تصویر آخر اما برای من آبی و تذهیب‌هایی که با آبی کار شده دوست‌داشتنی‌ترند.
۱. بله، چون زیبا هستند. ۲. بله، دوست‌داشتنی هستند.	قرآن بسیار زیبا و سخن خداوند است که به‌صورت کتاب به ما رسیده است.
۱. بله ۲. بله	چنین ظرافتی در کنار قرآن باعث آرامش است و ما با حوصله بیشتر قرآن را می‌خوانیم و بهتر یاد می‌گیریم.
۱. بله ۲. بله	احساس خوبی مثل اینکه در آسمان هستیم به من دست می‌دهد.
۱. بله ۲. بله	احساس آرامش کرده، فکر می‌کنم در رؤیاهای قرآنی هستیم.
۱. بله ۲. بله	فکر می‌کنم در جایی مثل بهشت هستیم و دارم قرآن می‌خوانم.
۱. دوست دارم از تذهیب‌های صفویه باشند. ۲. بله، اگر از تذهیب‌های ساده باشند، نیز خیال‌انگیز خواهند بود.	احساس آرامش و خود بهشت به ذهنم می‌آید.
۱. بله ۲. بله	احساس آرامش داشتن و بودن در بهشت
۱. خیر، بهتر است از نمونه تذهیب‌های صفویه باشد. ۲. خیر.	احساس آرامش دارند و قرآن‌هایی که براساس گفته‌های ما طراحی شده‌اند بسیار زیبا هستند و خداوند نور و روشنایی را بیشتر نشان می‌دهد.
۱. بله ۲. بله	احساس می‌کنم تمام خیال‌ها و آرزوهایم در آن تصاویر پدید می‌آید و آرامش خاصی به من می‌دهند.
۱. بله چون مایه آرامش هستند. ۲. بله	احساس خوب؛ فکر می‌کنم قرآن مورد علاقه‌ام در این تصاویر وجود دارند.
۱. بله ۲. بله	احساس می‌کنم تمام خیال‌ها و آرزوها و چیزهایی که داریم در این تصاویر پدید آمده‌اند.
همه تصاویر صفویه برای من خیال‌انگیز است البته؛ دوست دارم از ساده‌ترها استفاده شود.	احساس آرامش بهشتی بودن می‌کنم.
۱. بله ۲. بله	احساس می‌کنم وارد بهشت می‌شوم که پر از رنگ و قرآن است. آرام و آزاد می‌شوم و وجودم با این تصاویر قرآنی پاک شده است.

۱. بله ۲. بله	خیلی قشنگ هستند و احساس آرامش می‌کنم و اینکه فرشته شدم و در آسمان هستم.
۱. بله ۲. بله	احساس خوبی دارم
دوست دارم از تصاویر صفویه استفاده شود	احساس آرامش انگار در کنار خدا قرار دارم.
دوست دارم از تصاویر صفویه استفاده شود.	چیزهایی مثل فرشته، بهشت، نور، خدا و قرآن در ذهنم تداعی شد.
۱. بله از تصاویر ساده‌تر دوست دارم استفاده شود. ۲. بله	تذهیب‌های صفویه به تذهیب‌های ساده‌تر می‌رساند.
۱. بله ۲. بله	
۱. بله ۲. بله، اما شکل‌های صفویه بهترند.	می‌توانیم بر اساس تذهیب‌های صفویه به تذهیب‌های ساده‌تر برسیم.
۱. دوست دارم از تصاویر صفویه باشند. ۲. خیر	ما را به این می‌رسانند که می‌توانیم بر اساس تذهیب‌های صفویه به تذهیب‌های ساده‌تر برسیم.
۱. بله ۲. بله	احساس آرامش و خوشحالی
۱. بله، با توجه به پاسخ دوم، صفویه منظور است؛ واقعاً زیبا هستند و به انسان دلگرمی می‌دهد. ۲. بله، (با توجه به پاسخ دوم صفویه منظور است)؛ واقعاً احساس پُرانگیز هستند.	انگار آرام می‌کنند و اینکه با تلاشیم در (طراحی) یک قرآن نقش داشته‌ام.
۱. بله (منظور صفویه است)؛ ۲. بله (منظور با توجه به پاسخ دوم صفویه است) به انسان آرامش خاطر می‌دهند.	احساس آرامش می‌دهند.
۱. بله، خیلی زیبا هستند. ۲. بله، خیلی بهتر است که بدین شکل استفاده کنند.	احساس می‌کنم این تصاویر (صفویه) آن قدر براق هستند که انگار با طلا ساخته و نوشته شده‌اند و دارای نقش و نگار زیبا هستند.
۱. بله، چون واقعاً زیبا هستند؛ ولی بهتر است از خود تصاویر دوره صفویه استفاده شود.	خیلی زیبا هستند. کار صفویان عالی بوده و واقعاً زیبا هستند و با دست خالی چه زیبا نوشته‌اند.
۱. بله ۲. بله	احساس هنرمندی، قشنگی، زیبایی و نوشتن
۱. بله، چون طرح‌های جدید زیبا هستند. ۲. بله، بهتر است که از همین جدیدها باشد.	احساس خیلی خوبی به من دست می‌دهد؛ چون خیلی زیبا و لذت‌بخش هستند؛ زیرا در کناره‌های آیات قرآن گل‌های زیبا کشیده شده است.
۱.	تصاویر جدید لذت‌بخش هستند و به من روحیه می‌بخشند.
۱. بله	احساس خیلی خوبی نسبت به تصاویر صفویه دارم.
۱. بله	خیلی قشنگ و زیبا هستند.

۲. بله، خیلی دوست دارم.	
۱. بله، اما خیال انگیزتر از صفویه نیستند.	خیلی قشنگ هستند؛ هم خط و هم طراحی زیبایی دارند و من به این هنرمندان افتخار می‌کنم.
۱. بله ۲. بله	احساس می‌کنم این قرآن روی سنگ نوشته شده و قشنگ هستند؛ انگار حالت شکسته دارند.
۱. بله ۲. بله	احساس می‌کنم این قرآن روی سنگ نوشته شده و قشنگ هستند؛ انگار حالت شکسته دارند.
۱. بله، اما احساس شگفتی نسبت به صفویه نمی‌دهد.	احساس هنرمندی، زیبایی و قشنگی و احساس نوشتن
۱. خیر	احساس خوشایند و تفکربرانگیز: طرح‌های جدید خیلی تغییر کرده‌اند؛ اگرچه دوره صفویه زیباتر هستند، ولی طرح‌های جدید هم زیبا هستند.
۱. بله ۲. خیر	احساس خوبی دارم و در طرح‌های جدید هم خوب نوشته شده و هم خوب ترجمه شده است.

نتیجه‌گیری

روش تذهیب و مصورسازی قرآن یا «قرآن‌آرایی» از کارآمدترین روش‌ها برای جذب کودک به خواندن قرآن است و همچنین، دارای قدرت تفهیم مفاهیم دینی و ارزش‌های قرآنی به کودکان و نوجوانان می‌باشد و در نتیجه، هنر می‌تواند زبان انتقال ارزش‌های مکتب اسلام باشد و در رأس برنامه‌های آموزشی قرار گیرد تا نیازهای شناختی-عاطفی و روانی کودک را برآورده کند.

به‌دلیل خاصیت انتزاعی نقوش و تأثیر رنگ‌های به‌کاررفته در تذهیب‌های قرآنی، که فضایی روحانی و درعین حال شاد و پر از ظرافت و پیچش و گیرایی ایجاد می‌کند، زمینه دوستی مخاطب کودک و نوجوان با قرآن فراهم می‌شود و شکل یافتن تلفیق هوشمندانه هنر سنتی و معاصر با حفظ هویت هنر سنتی و هویت پیدا کردن هنر معاصر پدید می‌آید.

تأثیر عمیق پیام‌های نهفته در عناصر نقوش و رنگ‌های تذهیب دارای نیروی سازگاری با مخاطب امروزی و پرورش قوه تخیل گروه «ب» و «ج» در فضایی دینی و عرفانی دارد که نشان از نیروی کاربردی ذاتی تذهیب‌گونه تذهیب قرآنی است.

پژوهش حاضر نشان داد که تذهیب قرآنی و تهیه کتاب قرآنی خاص کودک و نوجوان از ملزومات است. تهیه چند جلد کتاب قرآنی خاص کودک و در هر جلد چند سوره و به‌فراخور سوره‌ها مصورسازی با شرایط و رعایت اصول و حفظ شأن آیات کریمه نیاز است تا کودک و نوجوان به تدریج تمام وجودش را با قرآن یکی کند. این کتاب قرآنی خاص گروه «ب» و «ج» به کودک و نوجوان این امکان را می‌دهد تا بدون اینکه در حیات معنوی و سیر و سلوک عرفانی،

مطالعات کافی داشته و مقاصد حقیقی این رشته از علوم را دریافته باشد، به خوبی به این درک برسد آید که روش سیر باطنی و حیات معنوی، بر این اساس استوار است. هنر مدرن امروز، محتوا را به کناری گذاشته و به سمت کشف و نبوغ در انواع فرم‌ها و فضاها رفته است. بنابراین، هنر سنتی گذشته نه به شکل سنتی خود بلکه با فکر نو و امروزی و کاربرد برای دنیای امروز می‌تواند در هنر معاصر، ما را به جلو حرکت دهد و هنری هویت‌ساز و تأثیرگذار بر باورهای عمیق اعتقادی کودکان را رقم بزند.

منابع

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۸ش - ۱۴۳۰ق)، شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، چ ۸، تهران: حکمت.
۲. اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۹۰)، حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه و ندا جلیلی، با مقدمه چاپ دوم، چاپ اول، تهران: علم معمار رویال.
۳. ایرایی، مهرک (۱۳۸۰)، «حکمت معنوی در هنر تذهیب»، مجله گلستان قرآن، ش ۱۰۲، ص ۲۱-۲۶.
۴. بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۸)، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، دفتر اول و دوم: وحدت وجود و وحدت شهود، کیمیای خیال، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر.
۵. بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵)، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
۶. بهشتی، احمد (۱۳۸۷)، تربیت کودک در جهان امروز، چ ۵، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۷. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۸۷)، همگام با وحی: نخستین تفسیر جامع شیعی به ترتیب نزول سوره‌های قرآن براساس روایات ابن عباس، قم: بسط‌النبی.
۸. پایدارفرد، آرزو و فاطمه شفیعی (۱۳۹۵)، هنر قرآنی (دفتر اول): زیبایی‌شناسی تذهیب‌های قرآنی دوره صفویه تحلیل و کاربرد آن برای تصویرسازی کتاب‌های قرآنی کودکان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، فطرت در قرآن، محقق حجت‌الاسلام محمدرضا مصطفی‌پور، چ ۳، قم: اسراء.
۱۰. چیتیک، ویلیام (۱۳۸۵)، عوالم خیال، ترجمه نجیب‌الله شفق، چ ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۱. حکیمی، محمود و مهدی کاموس (۱۳۸۲)، مبانی ادبیات کودک و نوجوانان، چ ۱، ج ۲، تهران: آرون.
۱۲. خزایی، محمد (۱۳۸۷)، «شمسه؛ نقش حضرت محمد صلی الله علیه و آله در هنر اسلامی ایران»، کتاب ماه هنر ایران، شهریور (۱۲۰)، ص ۵۶-۶۲.

۱۳. راغب، عبدالسلام احمد (۱۳۸۷)، کارکرد تصویری هنری در قرآن کریم، ترجمه سیدحسین سیدی، چ ۱، تهران: سخن.
۱۴. ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۸۹)، هنر، زیبایی، تفکر (تأملی در مبانی نظری هنر)، تهران: ساقی.
۱۵. سلیمانی، محمد (۱۳۸۵)، «نقش قرآن در تربیت انسان»، پاسدار اسلام، ش ۲۹۹، ص ۴۲-۴۴.
۱۶. سهروردی، یحیی بن حبش (۱۳۷۹)، هیاکل النور، به تصحیح محمد کریمی زنجانی اصل، چ ۱، تهران: نقطه.
۱۷. _____ (۱۳۷۵)، مجموعه مصنفات، مجلد ۲ و ۳، چ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۸. سیدقطب (۱۳۵۹)، تصویر فنی: نمایش هنری در قرآن، ترجمه محمدعلی عابدی، تهران: انقلاب.
۱۹. شاد قزوینی، پریسا (۱۳۸۷)، «ویژگی‌های تصویری در کتاب‌های قرآنی کودکان»، مجله پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۴-۵۵، ص ۲۹۰-۳۱۹.
۲۰. شفیعی، فاطمه (۱۳۸۹)، تحلیل جایگاه خیال در زیبایی‌شناسی سهروردی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی رضا اکبریان و مشاوره حسن بلخاری قهی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۱. شفیعی، فاطمه و حسن بلخاری قهی (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «تخیل هنری در حکمت اشراقی سهروردی»، متافیزیک (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، س ۴۷، دوره جدید، س ۳، ش ۹ و ۱۰، ص ۳۳-۴۶.
۲۲. شوآن، فریتیوف (۱۳۸۱)، گوهر و صدف عرفان اسلامی، ترجمه مینو حجت، چ ۱، تهران: پژوهش.
۲۳. علامه مجلسی (۱۴۰۴ق)، بحارالأنوار، ج ۱، لبنان: مؤسسه الوفاء.
۲۴. علوی مقدم، مهیار و شهرام سوسن‌پور (تابستان ۱۳۸۹)، «کارکرد روانشناسی نظریه رنگ ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، دوره جدید، ش ۲، پیاپی ۶، ص ۸۳-۹۴.
۲۵. فروردین، عزیزه (۱۳۸۷)، زیبایی‌شناسی هنری در داستان‌های قرآنی، چ ۲، قم: دفتر عقل (برای مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما).

۲۶. فغفوری، م.ح (تابستان ۱۳۸۷)، «سنت‌گرایان، زیبایی و سلسله مراتب هنر»، پژوهش‌نامه فرهنگستان هنر: (نقد سنت‌گرایانه هنر)، (۹)، ص ۵۷-۷۱.
۲۷. کرین، هانری (۱۳۹۰)، اسلام در سرزمین ایران: چشم‌اندازهای معنوی و فلسفی، ترجمه رضا کوهکن، ج ۲، چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۲۸. لاهیجی، محمد بن یحیی (۱۳۳۷)، مفاتیح الاعجاز شرح گلشن راز [محمد بن عبدالکریم شبستری]، مقدمه کامل کیوان سمیعی، تهران: محمودی.
۲۹. لینگز، مارتین (۱۳۹۱)، رمز و مثال اعلی (تحقیقی بر معنای وجود)، ترجمه فاطمه صانعی، تهران: حکمت.
۳۰. مشایخی‌راد، شهاب‌الدین (۱۳۸۵)، تعلیم و تربیت دینی، چ ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۱. نبی‌لو، علیرضا (زمستان ۱۳۸۸)، «بررسی و تحلیل بسامد تصاویر لاله در شعر فارسی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ادب و زبان فارسی، دوره جدید، ش ۲۶ (پیاپی ۲۳)، ص ۳۲۷-۳۴۷.
۳۲. نصر، حسین (۱۳۸۵)، دین و نظم طبیعت، ترجمه انشالله رحمتی، تهران: نی.
۳۳. _____ (۱۳۸۹)، هنر معنویت اسلامی، تهران: حکمت.
۳۴. ویلبر، دونالد نیوتن (۱۳۹۰)، باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، ترجمه مهین دخت صهبا، چ ۷، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۵. یاب، ایریس (۱۳۸۲)، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ترجمه مسعود حاجی‌زاده، ویراستار احمد بروجردی، تهران: صابرین.